

مادر وطن

بخود آلاسر وطندار وطندار

کشایتم حقیقت بینم و میدار

گرفتی تیشه، خود بر ریشهء خود

زنی لاسر بی خبر از مکر و غبار

تباہ شد ملت و فغانم، ز تفریق

بنام مذہب و کیش، قوم و تبار

کثیر فاقه و بی خانما، بینم

بوند محصول جنگ و جہد و ایوبار

رہم، خود را از لولہام و خرافات

زدست زلحد و شیخ ریاکار

مکنس و پرلا، از اینسہش مہنت را

بہ پاس دلار و دینار و کلدار

وطنم مادر بود کوش دل بر سر را

منم، بخبر بہ قلب مادر زلا

ف ب ر